

تحقق عدالت کیفری بین‌المللی در آفریقا؛ موانع و راهکارها

محمدحسین رضائی قوام‌آبادی^۱، منصور بهمنی^۲*

چکیده

دیوان کیفری بین‌المللی ساختار حقوقی نوینی برای تعقیب مرتکبین جرایم بین‌المللی و ناقضان حقوق انسان‌هاست. این ساختار حقوقی، علاوه بر وجود محاکم داخلی کشورها، متضمّن ایجاد صلاحیت رسیدگی برای مرجع رسیدگی بین‌المللی است؛ به‌همین سبب این دیوان دارای صلاحیت تکمیلی است که مبتنی نوعی هماهنگی و پویایی در ساختار قضایی و تقنینی نظام‌های ملی است تا دولت‌ها بتوانند اولویت اعمال صلاحیت خود را در رسیدگی و تعقیب جرایم بین‌المللی محفوظ دارند. علی‌رغم آنکه به‌عمر این دیوان، اکنون اندکی زود است تا کارنامه این مرجع قضایی بین‌المللی را قضاوت صحیح کرد، مواضع دولت‌ها در روند رسیدگی‌های این دیوان به برخی قضایا تأمل‌برانگیز است؛ به‌گونه‌ای که به‌خصوص مواضع دولت‌های آفریقایی و به‌تبع آن اتحادیه آفریقا، دربردارنده زمزمه‌هایی مبنی بر عدم همکاری، تهدید به خروج از اساسنامه دیوان و متعاقب آن توسعه صلاحیت دیگر مراجع قضایی یا حتی تأسیس مرجع کیفری مستقل است؛ موضعی که به تضعیف دیوان و چه‌بسا صعوبت تحقق عدالت کیفری در جامعه بین‌المللی بینجامد.

کلیدواژگان

اتحادیه آفریقا، جرایم، اساسنامه، دیوان بین‌المللی کیفری، رسیدگی، عدالت کیفری، عدم همکاری.

۱. دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: bahmaeimansoor@yahoo.co.uk

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۳

مقدمه

صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، به شرح اساسنامه مربوط، رسیدگی به جنایات بین‌المللی است که نیازمند حمایت از فرایند دادرسی کیفری است. چنین حمایتی هنگامی تأمین می‌شود که اخلاط‌گران در مسیر اجرای عدالت کیفری مجازات شوند. همواره در طول تاریخ پدیده‌های به‌نام جنایات بین‌المللی مشکلاتی را در روابط بین دولت‌ها و ملت‌ها ایجاد کرده است (Tylor, 2012). در این میان قاره آفریقا که درد بردگی، استعمار و عقب‌ماندگی، قحطی و خشکسالی و فقر را طی قرن‌ها و با تمام وجود لمس کرده، در بیست سال اخیر شاهد دهشتناک‌ترین و در عین حال گسترده‌ترین جنایات بین‌المللی بوده است. بر همین اساس، از ۲۱ پرونده‌ای که در قالب هشت وضعیت در حال حاضر در دیوان کیفری بین‌المللی در حال رسیدگی است، مربوط به جنایات ارتكابی در آفریقا است. اولین حکم صادره دیوان نیز در مورد آفریقا است که درباره جرم سربازگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه در محکومیت آقای توماس لوبانگه دیلو، فرمانده شبه‌نظامیان کنگو، در ۱۴ مارس ۲۰۱۲ صادر شد. به‌هر حال دول آفریقایی که وضعیت‌های مطرح‌شده نزد دیوان کیفری بین‌المللی را در عمل محدود به قاره سیاه یافتند و برای دستگیری و تحویل متهمان تحت تعقیب به‌ویژه حسن عمرالبشیر، رئیس‌جمهور سودان، تحت فشار قرار گرفتند، تردیدهایی جدی نسبت به استقلال و بی‌طرفی دیوان دارند و مزمه‌هایی مبنی بر سیاسی‌کاری دیوان را مطرح کرده و مدعی تبانی و توطئه‌چینی علیه آفریقا شده‌اند. برای مثال، با آنکه وزرای اتحادیه آفریقا پرونده‌هایی را علیه رهبران کنیا و سودان به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع داده‌اند، به‌علت رفتار ناعادلانه و غیرقابل قبول این دادگاه با کشورهای آفریقایی به‌شدت از آن انتقاد کردند (Wenping, 2013). حزب کنگره ملی آفریقا بر این باور است که دیوان کیفری بین‌المللی تلاش می‌کند حکومت‌های کشورهای آفریقایی را بی‌ثبات کند. نمونه بارز آن تلاش‌های این نهاد قضایی درباره حکومت حاکم بر کنیا است (گاراپون، ۱۳۸۱: ۸۱-۹۳).

دول آفریقایی نیز با اکتناى به همین بی‌اعتمادی به دیوان بین‌المللی کیفری، در صد ایجاد نهاد قضایی مستقل آفریقایی برآمده و آن را رسماً در ۸ فوریه ۲۰۱۳ با نام «محاکم آفریقایی فوق‌العاده» در سنگال بنانهادند. این دادگاه طی توافقنامه‌ای میان اتحادیه آفریقا و دولت سنگال برای محاکمه مرتکبین نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل تأسیس شد که در فاصله بین ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ در سرزمین چاد به‌وقوع پیوسته بود. در حال حاضر، ۳۰ درصد از دول عضو دیوان کیفری بین‌المللی آفریقایی و شامل ۶۰ درصد از کشورهای این قاره است. بر این اساس، قاره آفریقا در این زمینه در بین دیگر قاره‌ها پیش‌گام است، با این وجود، دیوان به‌نحوی غیرعادلانه بر آفریقا متمرکز شده و تاکنون تمامی افرادی که دیوان متهم کرده و

تنها کسانی که به زندان محکوم شده‌اند، آفریقایی‌اند؛ موضوعی که منجر به اتهام تعصب و جانب‌داری نسبت به عملکرد دیوان شده و موجب واکنش اتحادیه آفریقا شده است (Burkewhite, 2012).

در این تحقیق تلاش شده با روش توصیفی-تحلیلی موانع عدالت کیفری بین‌المللی در قاره آفریقا شناسایی و راهکارهای تحقق عدالت کیفری بین‌المللی در قاره آفریقا تبیین شود. از این‌رو، می‌توان ادعان داشت اهمیت پژوهش حاضر در این است که مشخص می‌سازد آیا مراجع کیفری تا به حال توانسته‌اند در جهت احقاق حقوق ملل آفریقایی به‌نحو مؤثر عمل کنند؛ صلاحیت یا عدم صلاحیت، همچنین کارکرد مثبت یا منفی مراجع کیفری بین‌المللی چه نقش مهمی در آینده دول آفریقایی ایفا می‌کند. در این راستا، این فرضیه مطرح است که کارکرد دیوان بین‌المللی کیفری به خصوص، تمرکز آن بر رسیدگی به جرایم ارتكابی در این قاره، علی‌رغم وقوع جرایمی به مراتب دهشتناک‌تر در سایر نقاط جهان، سبب عدم اعتماد به این دیوان و عدم همکاری دول آفریقایی با آن شده و از موانع و راهکارهای عدالت کیفری در آفریقا، به‌گونه‌ای که طرح خروج از اساسنامه دیوان و متقابلاً طرح تأسیس دادگاه آفریقایی برای رسیدگی به جرایم بین‌المللی در این قاره مطرح شده است.

محاكم کیفری بین‌المللی و واکنش دول آفریقایی در قبال آن

نهادینه شدن رسیدگی یکی از مصادیق بارز عدالت کیفری است. انتخاب شیوه تأسیس محاکم کیفری بین‌المللی و نحوه فعالیت آن محاکم کیفری به دو شکل معاهده‌ای و نهادین است. در شکل سنتی معاهده‌ای، حاکمیت دولت‌ها دارای احترام زیادی است و این امکان را به آن‌ها می‌دهد تا با رعایت جوانب مختلف به آن معاهده ملحق شوند یا اینکه از الحاق به آن خودداری کنند. در شکل نهادین، این محاکم در چارچوب سازمانی ایجاد می‌شود. تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی مهم‌ترین مصداق تأسیس از طریق معاهده، و دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا، از مصادیق مهم تأسیس نهادین محسوب می‌شود (Ascensio, 2000: 715-716).

واکنش جامعه بین‌المللی نسبت به جنایات ارتكابی در آفریقا و رویکرد دول این قاره در قبال تدابیر اتخاذشده جامعه بین‌المللی گویای استقبال بیشتر دول مزبور برابر شیوه‌های معاهده‌ای است، اگرچه همکاری لازم را بعد از تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا مبذول داشته‌اند. ترجیح و اولویت دول آفریقایی با سایر دول جهان سوم همسو بود و به‌زعم ایشان، تأسیس محاکم کیفری از طرق معاهده‌ای به‌ویژه در مورد سرکوب و مقابله کیفری در راستای حاکمیت دولت‌هاست. تجزیه و تحلیل اعلامیه‌های دول آفریقایی در مجمع عمومی در اکتبر ۱۹۹۴، یعنی

درست قبل از تأسیس دادگاه رواندا، گویای این واقعیت است که این دول خواهان تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا از طریق معاهده‌ای بوده‌اند (Wembou, 1997: 733). علی‌رغم آنکه دولت رواندا با ارسال نامه‌ای به رئیس شورای امنیت از وی درخواست کرده دادگاه کیفری بین‌المللی برای محاکمه مرتکبین جنایات در رواندا ایجاد شود، ضمن انتقادهایی راجع به موضوعاتی چون ساختار دادگاه، صلاحیت زمانی، مشارکت برخی دولت‌ها در انتخاب قضات، زندانی شدن مجرمان در دولت ثالث، فقدان مجازات اعدام و جزآن، به قطعنامه ۹۵۵ شورای امنیت در مورد تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا رأی منفی داد و در عین حال، همواره اعلام داشت که به‌طور کامل با دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا همکاری خواهد کرد (Dubois, 1997: 764).

نقش و مشارکت دول آفریقایی در تحقق عدالت کیفری را می‌توان در تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی، همچنین مراجع کیفری قابل توجه دانست که در چارچوب آفریقا تأسیس شده‌اند. بنابراین، دولت‌های آفریقایی همانند سایر دول در شکل‌گیری و تأسیس مرجع دایمی کیفری بین‌المللی نقش کلیدی داشته‌اند. از ۵۳ کشور آفریقایی، ۴۷ کشور در کنفرانس ژنوا شرکت کرده و در لازم‌الاجرا شدن اساسنامه این دیوان نیز گام مؤثری برداشته‌اند؛ زیرا، طبق ماده ۱۲۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، برای لازم‌الاجرا شدن اساسنامه تصویب ۶۰ کشور لازم است که در زمان لازم‌الاجرا شدن این سند بیست کشور آفریقایی، یعنی یک‌سوم از اسناد تصویب، متعلق به کشورهای آفریقایی بوده است.^۱

در راستای تحقق عدالت کیفری در قاره آفریقا، می‌توان به تأسیس سه مرجع کیفری بین‌المللی اشاره کرد، شامل دادگاه رواندا، دادگاه سیرالئون و شعب فوق‌العاده سنگال. شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌سبب وقوع جنایات نسل‌زدایی در رواندا، اقدام به تأسیس این دادگاه در چارچوب فصل ۷ منشور ملل متحد کرد. هر چند تأسیس این دادگاه بعد از دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق توسط شورای امنیت، پرسش‌های زیادی در خصوص جاهت منشوری این مراجع از این منظر مطرح کرد که آیا شورای امنیت، حق تأسیس چنین مراجعی را داشته است یا خیر، لیکن این موضوع در قضیه تادیچ مطرح و شعبه تجدیدنظر در ۲ اکتبر ۱۹۹۵ اعلام کرد که این دادگاه قانونی و صالح به رسیدگی است و شورای امنیت نیز صالح به تأسیس دادگاه به موجب فصل ۷ منشور ملل متحد است (TPIY, 1995).

۱. برای اطلاعات بیشتر، ن.ک:

http://www.iccnw.org/documents/Ratification_chart_French_15fev2013.pdf , consulté le 21 juin 2014.

تأسیس محاکم تلفیقی یا مختلط کیفری

از آنجا که بر اساس منشور، وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر عهده شورای امنیت است و این شورا می‌تواند اقدام به تأسیس ارکان فرعی کند، شورا می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد تا تدابیری را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ کنند. پس به‌طریق اولی این شورا رأساً می‌تواند تدابیری را در این خصوص اتخاذ کند و به‌اجرا گذارد. دادگاه ویژه سیرالئون دومین مرجع کیفری است که بعد از دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا در آفریقا تأسیس شد. این دادگاه بنا به درخواست دولت سیرالئون و همکاری سازمان ملل متحد ایجاد شد (رنجبریان و ملک‌الکتاب خیابانی، ۱۳۸۹: ۱۲). از حیث ماهیت، این دادگاه نسل سوم محاکم کیفری بین‌المللی محسوب می‌شود. محاکم نسل سوم یا محاکم مختلط یا بین‌المللی شده شامل مراجعی چون دادگاه ویژه سیرالئون و شعب فوق‌العاده کامبوج است که به درخواست دولت‌ها و با توافق سازمان ملل متحد ایجاد شده است.

تلفیقی یا مختلط بودن نسل سوم برخی مراجع کیفری بین‌المللی به این دلیل است که در آن ترکیبی از قضات ملی و بین‌المللی حضور دارند و حقوق قابل‌اعمال در این مراجع بعضاً حقوق ملی و بین‌المللی است (Voir & et Villalapando, 2005: 239-340). تغییر رویه سیاست جنایی بین‌المللی از ایجاد محاکم کیفری به‌سوی محاکم مختلط، در واقع استفاده از تجربیات تحولات نظام کیفری بین‌المللی ناشی از چالش‌های سیاسی موجود و انتظارات جامعه جهانی از اثربخشی محاکم بین‌المللی بوده است. نقش این‌گونه محاکم در افق پیش‌روی سیاست کیفری بین‌المللی بیش از پیش اهمیت یافته و مؤلفه‌های مؤثر این محاکم از جمله انعطاف‌پذیری و ترکیب قضات و مقررات، موجب شده است تا محاکم بین‌المللی متناسب با وضعیت پیش‌روی، وظایف خود را به‌وضوح انجام دهند. این امر مؤید به‌کارگیری محاکم با تجربیات پیشین است. محاکم مختلط بارزترین تجلی رویکرد جامع، کثرت‌گرا و جهانی به عدالت کیفری بین‌المللی است. این محاکم، که اغلب تنها دو نظام حقوقی معرفی شده‌اند، در جایی که عدالت در خصوص جنایات عمده بین‌المللی اعمال می‌شود، از مرز دوگانگی سنت محاکم بین‌المللی و داخلی فراتر رفته‌اند و از آنجا که گزینه‌ای متناسب و انعطاف‌پذیر و گاهی مطلوب را ارائه می‌کنند، فاقد این دوگانگی هستند. از طرفی، موجب می‌شوند که رفع شکاف بی‌کیفری ناشی از ظرفیت محدود دادگاه‌های داخلی و دیوان بین‌المللی در محاکم بین‌المللی با اتخاذ سیاست حقوقی متناسب با ساختار و شیوه عمل آن‌ها پیش‌رود؛ هر چند که نواقص و ایراداتی نیز در این مدل مختلط قابل‌ملاحظه است. بنابراین، با توجه به عدم اطمینان مراجع قضایی بین‌المللی به نظام قضایی کشورهای که در آن‌ها جنایات بین‌المللی به‌وقوع می‌پیوندد و متقابلاً عدم اعتماد کامل دولت‌ها به مراجع قضایی بین‌المللی، که در هر دو نکته در اصل

صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین‌المللی متجلی است، تأسیس محاکم کیفری مختلط راهکاری معتدل و حد فاصل دو نظام قضایی داخلی و بین‌المللی محسوب می‌شود (نماین، ۱۳۹۴: ۱۴۲-۱۴۳).

دادگاه ویژه سیرالئون، در واقع به درخواست دولت و همکاری شورای امنیت تأسیس شد، در حالی که دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا را رأساً شورای امنیت ایجاد کرد و از این جهت با دادگاه سیرالئون تفاوت دارد. شعب فوق‌العاده سنگال، آخرین مرجعی است که در آفریقا شکل گرفت. این شعب به منظور تعقیب و محاکمه مرتکبان جنایات ارتكابی در کشور آفریقای چاد تأسیس شد. حیسن هابره در سال ۱۹۸۲ با حمایت ایالات متحده آمریکا قدرت را در چاد به‌دست گرفت و تا سال ۱۹۹۰ بر این کشور حکومت کرد. در مدت حکومت هشت‌ساله وی، جنایات زیادی در چاد رخ داد و با فرار و پناهنده‌شدن وی به سنگال، دعاوی متعددی در دادگاه‌های چاد، بلژیک و سنگال علیه هابره مطرح شد. بی‌نتیجه بودن دعاوی مطروح‌شده و عدم تعقیب و محاکمه مؤثر حیسن هابره، موجب طرح این قضیه در مراجع مختلفی چون کمیته ضد شکنجه و دیوان بین‌المللی دادگستری شد. با پیروزی مکی سال^۱ در مقابل عبدالله واد^۲ در انتخابات ریاست جمهوری در مارس ۲۰۱۲، قضیه محاکمه حیسن هابره به‌طور جدی دنبال شد، زیرا تا قبل از آن، اراده سیاسی واقعی وجود نداشت و با طرح مسائل گوناگون، مانع پیشرفت عملی آن می‌شد. سرانجام، اتحادیه آفریقای با دولت سنگال موافقتنامه‌ای برای تأسیس شعب فوق‌العاده سنگال امضا کردند که در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۲ قانون تأسیس این شعب در مجلس ملی این کشور به تصویب رسید. این شعب برای تعقیب و محاکمه مسئول یا مسئولان اصلی نقض‌های حقوق بین‌الملل، عرف بین‌المللی و کنوانسیون‌های تصویب‌شده چاد و سنگال تأسیس شد که در سرزمین چاد از ۷ ژوئن ۱۹۸۲ تا ۱ دسامبر ۱۹۹۰ ارتكاب یافته بود. این شعب دادگاه، بیشتر شبیه شعب فوق‌العاده کامبوج است، ولی از این جهت که این شعب به ابتکار سازمان منطقه‌ای (اتحادیه آفریقای) ایجاد شده‌اند از شعب کامبوج متمایزند. تأسیس چنین شعبی در نظام قضایی سنگال اهمیت زیادی دارد، زیرا این شعب برای تعقیب و محاکمه افرادی ایجاد شده است که هیچ‌گونه ارتباط مستقیمی با دولت سنگال ندارند. به‌نظر می‌رسد چنین اقدامی در چارچوب صلاحیت جهانی و انجام تعهدات این کشور نسبت به کنوانسیون‌های بین‌المللی توجیه‌پذیر است.

طبق صلاحیت جهانی، دادگاه‌های داخلی کشور، صلاحیت رسیدگی به جرایمی دارند که نه در قلمرو کشور رسیدگی‌کننده واقع شده و نه هیچ‌یک از متهم و مجنی علیه تبعه آن کشورند و نه جرم علیه آن کشور ارتكاب یافته است. قبیح‌بودن جرایم ارتكابی موضوع صلاحیت

1. Macky Sall

2. Abdoulaye Wade

3. Accord entre le gouvernement de la République du Sénégal et l'Union Africaine, 2012.

جهانی به آن حد است که وجدان جامعه جهانی را جریحه‌دار می‌سازد و در نتیجه به هر دولتی حق تعقیب، محاکمه و مجازات چنین مجرمینی را خواهد داد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳: ۷۶).

در نهایت، حبس هابره در اواخر ماه می ۲۰۱۶ در سنگال محاکمه شد و دادگاه سنگال او را در سه مورد تجاوز و صدور فرمان قتل چهل هزار تن در سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ مجرم شناخت. این نخستین دادگاهی است که به پشتوانه اتحادیه آفریقا، حکمران سابق کشوری را به جرم نقض حقوق بشر محکوم کرده است. بی‌شک اتمام دادگاه حبس هابره سنگ بنای مسئولیت‌پذیری در برابر نقض حقوق بشر در آفریقا است. پیش از این، روابط اتحادیه آفریقا با دادگاه بین‌المللی عدالت کیفری به دلیل درخواست برخی اعضای این اتحادیه مبنی بر عدم اجرای احکام این دادگاه محدود شده بود، اما محکومیت حبس هابره فصل جدیدی در روابط دادگاه بین‌المللی عدالت کیفری و اتحادیه آفریقا گشود. در هر حال، نتیجه این محاکمه پیروزی بزرگی از جهت عدالت کیفری بین‌المللی است و می‌توان امیدوار شد که هیچ دیکتاتور جنایتکاری از مجازات در امان نخواهد بود. البته، محاکمه حبس هابره نزدیک به نیم قرن به طول انجامید که نشان می‌دهد که چرخه‌های عدالت خیلی آهسته می‌چرخد.^۱

علل بی‌اعتمادی دول آفریقایی به دیوان بین‌المللی کیفری

آگاهی از پیشینه و سیر تحول عدالت کیفری، شناسایی بسترهای اجتماعی-سیاسی تأثیرگذار بر آن، بررسی نتایج اقدام‌ها و مداخله‌های پیشین، همچنین پیش‌بینی موانع و مقاومت‌های احتمالی در زمینه تحقق عدالت کیفری بسیار حائز اهمیت است. هر گونه خطا و اهمال در این خصوص ممکن است منجر به برنامه‌ریزی نادرست و هدر رفتن امکانات و منابع مالی و انسانی نهادهای عدالت کیفری شود. مطالعات انجام‌شده بخشی از دلایل ناکامی برنامه‌های عدالت کیفری را به عدم تعریف دقیق مشکل مورد نظر یا فقدان اطلاعات کافی در خصوص ابعاد مختلف آن مربوط دانسته است. تحلیل نظام‌مندی موضوع و انجام تحقیق پیرامون بسترهایی که مشکل در آن به وجود آمده، از پیش‌شرط‌های اساسی تدوین برنامه‌های عدالت کیفری به‌شمار می‌آید. نارسایی‌ها و مشکلات نظام عدالت کیفری اغلب تحت تأثیر عوامل مختلفی به وجود می‌آید و راه‌حل‌های اتخاذشده برای رفع آن‌ها در هر یک از اجزای این نظام، دیگر بخش‌های عدالت کیفری را نیز متأثر می‌سازد. بنابراین، دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری باید

1. <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2016/05/hissene-habre-verdict-landmark-decision-brings-justice-for-tens-of-thousands-of-victims/>
<https://www.theguardian.com/world/2016/may/30/chad-hissene-habre-guilty-crimes-against-humanity-senegal>.

نسبت به پیامدهای جانبی هر یک از برنامه‌ها و سیاستگذاری‌ها در محدوده مشکلات به وجود آمده، آگاهی کامل داشته باشند (فرجیها، ۱۳۸۷: ۳۴-۳۵).

الف) عدم همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی

یکی از آثار و تبعات منفی بروز سوءتفاهم بین دول آفریقایی و دیوان کیفری بین‌المللی، عدم همکاری با دیوان مذکور به علت عدم اعتماد به آن دیوان است. طبق ماده ۸۶ اساسنامه، انجام تحقیق و تعقیب جرایمی که تحت صلاحیت دیوان است، با همکاری دولت‌ها میسر است، زیرا همه اقدام‌های قضایی شامل مراحل اولیه و مربوط به رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی تحقیق، تعقیب تا جمع‌آوری دلایل و اجرای حکم و جزآن در محاکم کیفری بین‌المللی، نیازمند کمک و همکاری دولت‌هاست. این امر مبین آن است که نهادهای قضایی بین‌المللی بدون همکاری تابعان اصلی حقوق بین‌الملل قادر نخواهند بود به خوبی وظایف خود را انجام دهند.

یکی از مصادیق عدم همکاری دول آفریقایی با دیوان کیفری بین‌المللی، مربوط به قضیه عمرالبشیر، رئیس‌جمهور سودان، می‌شود. علی‌رغم صدور قرار جلب دیوان علیه عمرالبشیر (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۱۸-۱۹۳)، وی به کشورهای مختلف آفریقایی سفر کرد و این کشورها از اجرای تعهداتی که به موجب اساسنامه دیوان در خصوص همکاری با دیوان بر عهده دارند سرباز زدند (موسی‌زاده و امینیان، ۱۳۹۰: ۳۴۹). به همین مناسبت نیز رئیس مجمع دول عضو اساسنامه دیوان به کرات بر تعهدات دول عضو در خصوص همکاری با دیوان تأکید کرده است (Cour pénale internationale, 2012).

تأسیس دیوان بین‌الملل کیفری، مقبول اکثر کشورها بود، زیرا تا قبل از آن برای مجازات اشخاصی که مقررات و قوانین بین‌المللی را نقض می‌کردند سازوکار خاصی وجود نداشت. در چنین وضعیتی تنها سازوکار مبارزه با جرایم بین‌المللی، اعمال مجازات‌های اقتصادی، تحریم یا مصادره کالاها، و در نهایت در موارد نادری استفاده از زور و قوه قهریه بود. اگرچه اعمال چنین مجازاتی تا حدی مطلوب به نظر می‌رسد، عواقب آن دامنگیر انسان‌های بی‌گناه و مظلوم نیز خواهد شد. این امر برخی صاحب‌نظران حقوقی را بر آن داشته تا به‌طور جدی اندیشه مسئولیت کیفری بین‌المللی دولت‌ها را طرح کنند. این عده بر این باورند منطقی که تنها راه اعمال مجازات علیه کشورها را در صورت نقض مقررات حقوق بین‌الملل، الزام آنان به جبران خسارات وارده می‌داند، با نیازهای جدید حقوق بین‌الملل انطباق ندارد؛ بنابراین، باید محکمه‌ای بین‌المللی وجود داشته باشد تا مجرم را به‌سزای اعمال خویش برساند، بدون آنکه متعاقب آن انسان‌های بی‌گناه دیگر متضرر شوند. علی‌رغم این نگرش و به‌زعم بعضی دولت‌های آفریقایی، دیوان بین‌المللی کیفری در مسئله رسیدگی به جرم عمرالبشیر و مواردی از این دست، به

وظایف خود عمل نکرده است، لذا دول آفریقایی اعتماد خود را به دیوان از دست دادند. از این‌رو، به لزوم ایجاد ناظر و ضمانت اجرای خاصی در دیوان در این خصوص معتقدند. به‌رحال، دول آفریقایی در تصمیم اخیر خود در ۱۲ اکتبر ۲۰۱۳ بر سیاسی‌شدن و سوءاستفاده دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به تعقیب سران آفریقایی تأکید کردند. نقطه تمرکز این تصمیم، تعقیب رئیس‌جمهور کنیا و معاون وی توسط دیوان بود، به‌گونه‌ای که این امر را موجب به‌خطر افتادن حاکمیت، صلح، آشتی ملی و کارکردهای عادی نهادهای اساسی دانستند. نکته قابل توجه در تصمیم اتحادیه آفریقایی، تأکید مجدد آن‌ها بر برخورداری رؤسای کشورها یا دولت‌ها از مصونیت از تعقیب در دوران تصدی است. چنین رویکردی در تضاد با مفاد ماده ۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است، زیرا طبق این ماده، موقعیت رسمی، تأثیری در مسئولیت کیفری ندارد و به‌تنهایی موجبی برای تخفیف مجازات نخواهد بود؛ لذا، مصونیت‌ها یا قواعد شکلی ویژه و مربوط به موقعیت رسمی اشخاص به‌موجب حقوق داخلی یا حقوق بین‌الملل، مانع اعمال صلاحیت دیوان کیفری نسبت به این اشخاص نخواهد بود. البته، لازم به یادآوری است که دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در دعوی کنگو علیه بلژیک اعلام کرد که دولت بلژیک تعهدات خود را نسبت به کنگو نقض کرده است؛ زیرا وزیر امور خارجه، مصون از صلاحیت کیفری خارجی و غیرقابل‌تعرض است (CIJ, 2002, para 78). دیوان در خصوص قرار بازداشت صادره از دادگاه بلژیک علیه وزیر خارجه کنگو اعلام کرد که این امر در حقوق بین‌الملل تثبیت و مستقر شده است که همانند نمایندگان دیپلماتیک و کنسولی، برخی اشخاص رده بالای دولت مثل رئیس کشور، رئیس دولت یا وزیر خارجه، برخوردار از مصونیت از صلاحیت مدنی و کیفری دولت‌های دیگرند (Ibid, para 51).

به‌نظر می‌رسد، دیوان بین‌المللی دادگستری به مصونیت شخصی افراد فوق در صورت ارتکاب جنایات بین‌المللی تنها در خصوص محاکم ملی سایر دول توجه دارد و چنین مصونیتی شامل محاکم کیفری بین‌المللی نمی‌شود. لذا، این افراد به‌محض از دست دادن سمت خود، حمایت مزبور را از دست می‌دهند و قابل تعقیب و پیگرد خواهند بود (Ibid, para. 61).

ب) طرح موضوع کناره‌گیری و خروج از دیوان کیفری بین‌المللی

عدم اعتماد به دیوان کیفری بین‌المللی، اگرچه منشأ هیچ‌گونه اقدام مؤثر و عملی از طرف دول آفریقایی در این باره نیست، افکار عمومی در راستای خروج از دیوان در حال هدایت است.^۱ در این راستا، اتحادیه آفریقا، در تاریخ ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۳ در ارتباط با جنبه‌های مختلف پرونده در

۱. جنبش آفریقایی-فرانسوی در سایت خود به همین منظور خروج از دیوان کیفری بین‌المللی کمپین به راه انداخته است. ر.ک. <http://african-français.org/petition-cpi>

حال رسیدگی رئیس‌جمهور کنیا و معاون وی در خصوص اتهام ایشان به جنایات علیه بشریت، ارتكابی بعد از انتخابات ۲۰۰۷ کنیا نامه‌ای ارسال کرد.^۱ در پاسخ به این نامه، معاون دوم دیوان کیفری بین‌المللی^۲ تصریح می‌کند که صلاحیت رسیدگی به دلایل و نگرانی‌های پرونده مطروحه را ندارد و این موضوع در صلاحیت شعب دیوان است و باید طبق اساسنامه رم و قواعد آیین دادرسی بررسی شود.^۳ در حال حاضر، تقاضایی دال بر ارسال پرونده‌های مطروحه در مورد کنیا به مراجع قضایی کنیایی وجود ندارد و قضات دیوان مطابق چارچوب حقوقی موجود بین دول تأسیس‌کننده دیوان اتخاذ تصمیم می‌کنند. این در حالی است که شعبه دادرسی به علت فقدان ادله کافی و جرح شهود با شکست مواجه شد، ولی با مخالفت دادستان مواجه نشد.^۴

علاوه بر نامه مذکور، اتحادیه آفریقایی در صدد برگزاری اجلاس ویژه‌ای درباره خروج جمعی از دیوان کیفری بین‌المللی و بازنگری در روابطش با این دیوان است که البته تاکنون چنین اجلاسی برگزار نشده است. تمامی این اقدام‌ها را نخست، دولت کنیا و با حمایت برخی دول آفریقایی در اعتراض به طرح پرونده رئیس‌جمهور کنیا و معاون وی در این دیوان مطرح کرد.

با توجه به امکان خروج کشورها از اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، به موجب ماده ۱۲۷ آن، در صورت تحقق خروج تمامی دول آفریقایی از دیوان، دول عضو دیوان از ۱۲۲ کشور به ۸۷ کاهش می‌یابد. اگرچه کناره‌گیری دولت‌ها در این سطح، طبق ماده ۱۲۶ اساسنامه این دیوان که برای لازم‌الاجرا شدن تصویب ۶۰ کشور را لازم دارد، در سال ۲۰۰۲ محقق شد و از این منظر مشکلی حادث نخواهد شد، بی‌تردید از نظر سیاسی، خروج کشورهای مزبور مقبولیت دیوان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و این امر سبب تضعیف دیوان خواهد شد. با توجه به تصمیم ۱۲ اکتبر ۲۰۱۳ اتحادیه آفریقایی، خیلی بعید به نظر می‌رسد که این کشورها بخواهند از دیوان کیفری بین‌المللی خارج شوند. تصمیم اخیر اتحادیه تحت عنوان روابط بین آفریقا و دیوان کیفری بین‌المللی به هیچ وجه ایده خروج از دیوان را مطرح نمی‌کند. علی‌رغم سکوت اتحادیه آفریقایی در قبال خروج از دیوان، موضوع بازنگری در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و ایده تأسیس مرجعی کیفری در سطح آفریقا یا استفاده از ظرفیت‌های موجود آن قاره در دستور کار قرار دارد. در تصمیم اخیر اتحادیه بر موضوع بازنگری در اساسنامه رم به موجب ماده ۱۲۱، همچنین قراردادن موضوع تعقیب رؤسای کشور و رؤسای دول آفریقایی در حال تصدی در دستور اجلاس آتی مجمع دولت‌های عضو از جمله مواردی است که بر آن تأکید شده است. اما آنچه بیش از حد در تصمیم اخیر اتحادیه جلب توجه می‌کند موضوع تأسیس دیوان کیفری آفریقایی است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۰۴-۱۰۵).

1. Lettre de l'Union africaine, 10 Septembre 2013

2. Cuno Jakob Tarfusser

3. Lettre du second vice-président de la CPI le juge Cuno Tarfusser, 13 Septembre 2013.

4. <http://www.iaail.ir/35146-2/>

ج) طرح تأسیس دیوان کیفری آفریقایی

آخرین اثر سوءتفاهم بین دیوان و دول آفریقایی در طرح تأسیس دیوان کیفری آفریقایی متجلی است که مبین ایجاد حصار بی‌اعتمادی بین دیوان کیفری بین‌المللی و دول آفریقایی است. با تأسیس شعب فوق‌العاده سنگال برای محاکمه حیسن هابره، طلوع چنین رویکردی در اتحادیه آفریقایی بود. اگرچه تأسیس چنین شعبی در عرصه بین‌المللی چندان جدید نیست و قبل از این نیز شعب فوق‌العاده کامبوج به منظور محاکمه خمرهای سرخ ایجاد شده بود، آنچه این شعب را از شعب کامبوج تمیز می‌دهد، نقش اتحادیه آفریقایی در ایجاد آن است. شعب فوق‌العاده سنگال همانند شعب کامبوج، ترکیبی مختلط دارد، ولی در ایجاد این شعب سازمانی منطقه‌ای برای اولین بار برای تعقیب مسئول یا مسئولان جنایات ارتكابی در چاد، اقدام به انعقاد موافقتنامه‌ای با یکی از اعضا می‌کند؛ هر چند به تنهایی نمی‌تواند اماره‌ای بر تأسیس قریب‌الوقوع دیوان کیفری آفریقایی باشد. به هر حال، آنچه مسلم است این است که عدم همکاری دول آفریقایی عضو دیوان کیفری بین‌المللی با آن مرجع، با روح و مفاد فصل نهم اساسنامه دیوان (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳: ۲۵۶) در تضاد است و آثار منفی بر کارکرد دیوان وارد می‌آورد.

امکان و امتناع رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی در قلمرو آفریقا

فارغ از عدم همکاری یا خروج احتمالی دولت‌های آفریقایی از دیوان کیفری بین‌المللی که جزو تبعات ناخرسندی این دولت‌ها از دیوان است، به نظر می‌رسد راهکارهایی در مقابل بی‌کیفرمانی جنایتکاران بین‌المللی در این خصوص نیز قابل توجه و تأمل است. از جمله این ظرفیت‌ها می‌توان به تأسیس مرجع کیفری بین‌المللی در قلمرو آفریقا یا توسعه صلاحیت مراجع قضایی کیفری فعلی به منظور رسیدگی به جنایات بین‌المللی اشاره کرد.

اساساً ناخرسندی دولت‌های آفریقایی از دیوان کیفری بین‌المللی بر سه ادعا استوار است. نخست، کارنامه دیوان کیفری بین‌المللی، حکایت از آن دارد که این مرجع تنها با تمرکز بر وضعیت آفریقا و جنایات ارتكابی در این قلمرو جغرافیایی و با اتخاذ موضعی امپریالیستی نسبت به دولت‌های آفریقایی، به جای تلاش برای اجرای عدالت کیفری، در حال رسیدگی به جنایات ارتكابی در این قلمرو جغرافیایی است. دوم، رسیدگی به جنایات ارتكابی از سوی مقامات و سران دولت‌های آفریقایی به جهت مصونیت شغلی آن‌ها، ممکن نیست و این امر با مصونیت سران این دولت‌ها مبیانت دارد. در نهایت اینکه اقداماتی که دیوان به ظاهر در راستای اعمال عدالت کیفری انجام می‌دهد در تحقق با صلح و امنیت بین‌المللی منافات دارد (زمانی، ۱۳۹۳: ۷-۸).

چنانکه گفتیم، یکی از راه‌های اشتغال دیوان کیفری بین‌المللی به رسیدگی به پرونده، ارجاع

آن از طرف شورای امنیت است.^۱ از این رو، چنانچه ارجاع پرونده به دیوان حدوداً به اراده شورای امنیت باشد، این احتمال وجود دارد که ادامه یا تعلیق رسیدگی نیز تابع مصلحت‌اندیشی این نهاد باشد؛ کماینکه در این راستا در ژوئیه ۲۰۰۲ با تصویب قطعنامه ۱۴۲۲ و با استناد به ماده ۱۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مصونیت از تعقیب عملیات حافظان صلح به مدت دوازده ماه تجویز شد. همانند همه مصوبات شورا در چارچوب فصل هفتم، قطعنامه‌های خواهان تعلیق تعقیب در پرونده نیز از ملاحظات سیاسی متأثر است، نه از عدالت. شورا ابتدا باید در هیئت قاضی ظاهر شود و مطابق ماده ۳۹ وضعیتی را ارزیابی و توصیف کند. سپس بر اساس داوری خود اقدامات مقتضی در آن مورد را اتخاذ کند. گرچه به اعتقاد برخی حقوقدانان، شورا به لحاظ سیاسی بودن آن، در این داوری مقید به موازین حقوقی نیست، بنابراین نباید انتظار داشت که خروجی عملکرد آن همواره و الزاماً منطبق بر معیارهای عدالت باشد. پطروس گالی (۱۹۹۲)، دبیر کل سابق سازمان ملل، در گزارش خود در سال ۱۹۹۲، به این واقعیت تلخ به‌طور صریح اشاره کرده است: «... شورای امنیت منافع اعضا را مبنای عمل خود قرار می‌دهد، نه اجرای عدالت را و ما باید درک کنیم که شورای امنیت نهادی سیاسی است. ...»

به‌نظر می‌رسد این برداشت از عدالت، یعنی اجابت منویات اعضای ملل متحد بر اساس اصل برابری که شاید به مسامحه بتوان از آن با عدالت سیاسی - بین‌المللی یاد کرد، با عدالت در مفهوم کیفری، اعم از ملی و بین‌المللی، تفاوت داشته باشد، که هدف از آن تقاص از مجرم و زدودن آثار جرم است. در نظر بسیاری از رهبران سیاسی که سطح ارزش عدالت و مبارزه با بی‌کیفری را تقلیل داده‌اند و در سایه مصالح سیاسی قرار می‌دهند، انتظار عمده از طرح دعوی در دیوان بین‌المللی کیفری نقش بازدارندگی آن برای توقف جنایات و تقویت امکان مصالحه طرفین اختلاف است. برای مثال، پرونده اوگاندا به‌عنوان یکی از چهار پرونده مفتوح در محضر دیوان کیفری بین‌المللی را خود این دولت طرح کرد، اما اینک این دولت ادامه رسیدگی را نه‌تنها مفید نمی‌داند، بلکه آن را برای سازش و توقف درگیری بین طرفین مضر می‌داند و رسماً تقاضا کرده رسیدگی متوقف شود، زیرا از قرار معلوم متعاقب طرح دعوی در دیوان بین‌المللی کیفری، در آن کشور دولت با مخالفان به مذاکره نشست است و به تفاهماتی هم رسیده‌اند، لذا در نظر آنان همین میزان از تفاهم سیاسی هم نباید قربانی عدالت‌جویی و مبارزه با بی‌کیفری شود؛ اما باید توجه داشت که این دیدگاه منطبق با ذات عدالت و کارکرد واقعی نهادی قضایی نیست که قرار است ضامن اجرای عدالت باشد.

در مورد پرونده سودان و عمرالبشیر نیز وضعیت بدین گونه است. هنگامی که دیوان مشغول

۱. البته، ارجاع پرونده یا وضعیت به دیوان بین‌المللی کیفری توسط شورای امنیت محاسن زیادی هم دارد. یکی از آن‌ها این است که براساس مواد ۲۴ و ۲۵ منشور دولت‌ها ملزم به همکاری با دیوان خواهند بود و موضوع رضایت دولت محل وقوع جرم یا دولت متبوع مجرم و دولت قربانی جرم دیگر مطرح نخواهد بود.

بررسی تقاضای دادستان برای صدور جلب بود، دولت سودان و شورشیان دافور در کشور قطر با یکدیگر مذاکره کردند و به توافقاتی نایل آمدند؛ طبعاً تلقی بسیاری از سازمان‌ها و کشوره این بود که همین نقش بازدارندگی دیوان کافی است. در آن مقطعی که در رواندا ب سکوت جامعه بین‌المللی هزاران و بلکه میلیون‌ها نفر به قتل رسیدند، بسیاری از سیاسیون و رهبران جهان فقدان اراده مداخله در این کشور جنگ‌زده را این‌گونه توجیه می‌کردند که نکند با مداخله خارجی زیان‌های بیشتر و گسترده‌تری به جامعه روندا وارد شود، چرا که مواجهه با این جنگ در نظر آن‌ها هیچ منفعت حیاتی برای امنیت بین‌المللی نداشته است (Ghali, 1992).

در هر حال نباید فراموش کرد که اساسنامه دیوان راه توسل به شیوه‌های غیرحقوقی و تعلیق و توقف رسیدگی در پرونده‌های ارجاعی از طرف شورای امنیت به دیوان را باز گذاشته است. البته، توقف در اینجا به معنای خروج پرونده از دستور کار دیوان به تقاضای شورای امنیت نیست، زیرا اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی درباره توقف دائمی در رسیدگی به پرونده‌هایی که خود شورای امنیت به دیوان ارجاع کرده، حکم صریحی پیش‌بینی نکرده است. به نظر می‌رسد بعد از ارجاع، دیوان از استقلال قضایی کاملی برخوردار است و هیچ چیز و هیچ کس نمی‌تواند مانع رسیدگی و صدور حکم در چنین پرونده‌ای باشد. فقط در شرایط خاص، ماده ۱۶ اساسنامه دیوان مهم‌ترین محمل حقوقی تعلیق اجرای عدالت به بهانه اجتناب از به‌خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی و قابل تمسک است. ماده ۱۶ اساسنامه اشعار می‌دارد: «پس از صدور قطعنامه‌ای از طرف شورای امنیت به‌موجب فصل هفتم منشور ملل متحد مبنی بر تقاضای تعویق تعقیب پرونده، به مدت دوازده ماه هیچ تحقیق یا تعقیبی به‌موجب اساسنامه دیوان در مورد مربوط نمی‌تواند آغاز شود یا تداوم یابد.»

همان‌طور که قرائن و اوضاع و احوال نشان می‌دهد، متأسفانه ادعای اینکه جلب رئیس دولت در دادگاه کیفری بین‌المللی به صلاح و صرفه جامعه بین‌المللی نیست، قوت گرفته است. برخی دولت‌ها به‌صورت فردی و گروهی از آن‌ها نیز در قالب سازمان‌های منطقه‌ای تلاش می‌کنند تا با اقناع شورای امنیت، زمینه اجرای ماده ۱۶ اساسنامه دیوان را فراهم سازند؛ کما اینکه دولت سودان و برخی دولت‌های آفریقایی مثل الجزایر در این باره به‌طور قابل توجهی فعالیت می‌کنند و سعی دارند تا با وساطت خود، دولت و مخالفان را به یافتن راه‌حلی سیاسی ترغیب کنند. اتحادیه آفریقا و اتحادیه عرب نیز در همین مسیر گام برمی‌دارند؛ اما از سوی دیگر به‌نظر می‌رسد سازمان ملل و دول عضو دایم شورای امنیت کم‌وبیش با تسامح مخالفان و خواهان این‌اند که دیوان به‌طور طبیعی تا رسیدن به نتیجه قانونی با استقلال کامل به وظیفه خود عمل کند. در این راستا، میشل مونتانس، سخنگوی سازمان ملل، اظهار داشت: «موضع دبیر کل در این باره کاملاً شفاف است. وی معتقد است که دیوان بین‌المللی کیفری استقلال کامل دارد و دبیر کل

نمی‌تواند در امور آن و پرونده‌های مفتوح در محضر آن مداخله کند.» سفیر فرانسه نیز اعلام کرده است که شورای امنیت نباید در کار دیوان دخالت کند.^۱

موضع دولت آمریکا به‌عنوان دولت دارنده حق و تو در عملی ساختن تعلیق پرونده عمرالبشیر بسیار مهم است. دلایل قابل‌قبولی نیز در این زمینه وجود دارد. اول اینکه این دولت به اساسنامه دیوان ملحق نشده است؛ بنابراین اصرار وی بر پیگیری بی‌قید و شرط پرونده و ضرورت تمکین دولت سودان و شخص عمرالبشیر در برابر دیوان، حداقل برای افکار عمومی جهانیان تردیدآمیز است و برای آن‌ها قابل‌قبول نخواهد بود. برای امریکایی‌ها مسئله دیگری نیز مهم است و آن موضوع مبارزه با تروریسم است و سودان در این هدف با امریکایی‌ها نهایت همکاری را نشان داد، به طوری که رئیس سرویس امنیتی خود را برای همکاری به مقر سازمان سیا فرستاده است.^۲ یکی از مقامات نظامی آمریکا در تازه‌ترین اظهارات خود مدعی شده که در منطقه دارفور جنگ و تکذیب کردند، نشانه تمایل امریکایی‌ها بر یافتن راه‌حلی سیاسی برای پرونده دارفور تلقی کردند که بر اقدامات مراجع قضایی بین‌المللی تأثیر دارد.

در سطح سازمان‌های منطقه‌ای، اتحادیه آفریقا از عدم قبول پیشنهادش به شورای امنیت دال بر صدور قطعنامه تعلیق رسیدگی به پرونده عمرالبشیر به شدت ابراز ناخشنودی کرده و اعلام داشته است که همکاری خود با شورای امنیت را در این پرونده به حالت تعلیق در آورده و هیچ کمکی در دستگیری متهم به شورا نخواهد کرد^۳ و این در حالی است که متهم اصلی پرونده سودان، یعنی عمرالبشیر، متعاقب صدور حکم جلب از سوی دادستان دیوان بین‌المللی کیفری، به چند کشور از جمله قطر و مصر سفرهایی داشته است تا القاکننده این پیام سیاسی باشد که وی و کشورهای پذیرنده، ارزشی برای احکام دیوان کیفری بین‌المللی قائل نیستند. در مقابل، دیوان نیز با توسل به تمام توانایی‌های خود در صدور اجرای قرار جلب صادره و رسیدگی به اتهامات متهمان پرونده از جمله عمرالبشیر بر آمده است. در آستانه اجلاس موسوم به اسمارت که در ژوئیه ۲۰۰۹ در اوگاندا، اوکامپو دادستان دیوان به این کشور سفر کرد تا از مقامات این کشور بخواهد در صورت حضور عمرالبشیر در نشست مذکور، وی را دستگیر کنند و به دیوان تحویل دهند. مقامات اوگاندا راه‌حل میانه‌ای را پیش گرفتند و مراتب تقاضای دادستان را به عمرالبشیر اطلاع دادند و این قضیه منجر به عدم حضور سودان در اجلاس شد؛ این در حالی است که کشور سودان پای ثابت این نشست در دوره‌های پیشین بوده است (همان). در واکنش به میزبانی برخی دول از عمرالبشیر، شعبه اول مقدماتی دیوان در تاریخ ۲۷ اوت، دو تصمیم

1. www.rtlinfo.be/rtl/archive/article/152127/?& archiveyear=2008

2. www.lemonde.fr/Afrique/article/2008/07/15/darfour-la-CPI.

3. <http://fr.news.yahoo.com/4/20090827/twlsoudan-darfour-onu-bd5ae06.html>.

4. www.Afriquejet.com.actualites/Societe; www.Afriqueavenir.org/2009/07/27.

جداگانه اتخاذ کرد و طی آن مراتب نقض تعهدات بین‌المللی از جانب متهم و برخی کشورها، به اطلاع مجمع دول عضو دیوان و شورای امنیت سازمان ملل رسانده شد تا هر اقدام مناسبی را در این زمینه انجام دهند.^۱ در صحنه دیپلماسی هم شمار زیادی از دول اروپایی با فراخواندن سفرای کشورهای چاد و کنیا مراتب اعتراض خود نسبت به استقبال از عمرالبشیر را به دول میزبان ابلاغ کردند.^۲ رأی ۱۵ مارس ۲۰۱۶ دیوان عالی آفریقای جنوبی علیه سیاست‌های دولت مبنی بر عدم دستگیری عمرحسن‌البشیر صادر شد، که در آن به نقض قواعد آمره، جنایات جنگی و نسل‌کشی و تحقیقات شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی متهم شده است. پیام دیوان عالی آفریقای جنوبی قدمی در جهت اجرای عدالت و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل و گامی در جهت سلسله‌مراتب هنجاری قواعد بین‌المللی اصل اخلاق و ارزش بین‌المللی و نادیده گرفتن اراده دولت‌هاست.^۳

راهکارهای تحقق عدالت کیفری بین‌المللی در قاره آفریقا

رواج مراجع قضایی ضد برده‌داری برای محدود کردن بدترین موارد نقض حقوق بشر، ایجاد سیستم دادگاه بین‌المللی نمونه را فراهم می‌کند. این دادگاه سیستمی ضروری را برای روندها و قوانین مهیا می‌کند که مشابه با دادگاه‌های کیفری بین‌المللی مدرن است تا از نقض حقوق بشر در آفریقا جلوگیری کند. دیوان کیفری بین‌المللی که در نظام حقوق بین‌الملل از عدالت کیفری فعالیت می‌کند، نه تنها با کشورهای آفریقایی، بلکه با سازمان‌های بین‌المللی تعامل دارد. با فعالیت در مقیاس جهانی، با هدف پایان دادن به مصونیت از مجازات و جلوگیری از ارتکاب جنایت بین‌المللی می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند. البته، از بسیاری جهات، دیوان کیفری بین‌المللی همچنان در مراحل اولیه توسعه قرار دارد؛ کمالینکه مطابق ماده ۵ اساسنامه، در برابر تجاوز کشورها تا به هنگام اعمال صلاحیت، منتظر می‌ماند. کنفرانس بازنگری در کامپلا بحث مربوط به تجاوز کشورها را با افزودن تبصره و اصلاح آن توسعه داد.

حقوق بین‌الملل، از زمان ایجاد دادگاه‌های ضدبرده‌داری تا برپایی و پیشرفت هنجارهای مربوط به حقوق بشر علیه به‌کارگیری کودکان به‌عنوان سرباز جنگی، در صدد توسعه جامعه مدنی بوده است که به مبانی هنجارهای حقوق بشر احترام گذارد و به اهمیت این هنجارها در مرتبه‌های جهانی ارزش قائل شود. از این‌رو، امکان پیاده‌سازی مراحل و روند محاکمات عادلانه مشروعیت دادگاه‌های بین‌المللی را افزایش می‌دهد. در نتیجه نقش مهمی در توسعه هنجارهای

1. www.icc-cpi.int.

2. www.bbc.co.uk/news/world-africa-11156184.

<http://www.vakilemlat.ir/fa/news/view/153314>

۳. جمشید ممتاز، دانشگاه کردستان، سنندج

اصلی حقوق بشر ایفا می‌کند. تصمیم لوبانگا دربارهٔ کودکان سرباز، لحظه‌ای تاریخی در توسعهٔ این هنجارها بود تا دیوان در مسیر مهمی قرار گرفت و با دادگاه‌های ضدبدرده‌داری طی شد (Fernandez, 2014: 45).

نظام بین‌المللی جدیدی که با دادگاهی قوی پشتیبانی می‌شود می‌تواند مسئولیت کیفری را تأمین کند. تلاش‌های اتحادیهٔ آفریقا باید در جهت تقویت اجرای قانون ملی و نظام‌های قضایی هدایت شود تا بتواند به صورت واقعی و اثربخش با جرایم گسترده روبه‌رو شود و دخالت دیوان بین‌المللی را حذف کند. حاکمیت قانون ابزاری قدرت‌مند است که به طور عادلانه به نوع بشر خدمت می‌کند و به صورت سازگار عدم تعادل بین مجرمان و قربانیان را متوازن می‌سازد. البته، اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی کیفری و اجرای داخلی آن تنها راهبردهای اجرایی مجازات محسوب نمی‌شود. فعالیت دادگاه‌های اقتضایی و محاکمات داخلی به لحاظ دیگر سازوکارهای حقوقی (مثل کنوانسیون ژنو) نیز باید بخشی از هدف اولیهٔ پروژه‌های عدالت کیفری بین‌المللی در نظر گرفته شود تا به این ترتیب بدترین جنایات با قانون بین‌المللی تحت تعقیب قرار گیرد (Ibid: 56).

رواندا راهی طولانی را در این زمینه پیموده است. برای ریشه‌کن کردن فرهنگ «مصونیت از مجازات» در این کشور، صدها هزار نفر از عوامل نسل‌کشی و دیگر جرایم علیه بشریت باید تحت پیگرد قضایی قرار می‌گرفت. دادگاه کیفری رواندا نه تنها فاقد قدرت لازم بود، بلکه ظرفیت تعقیب تمامی عاملان و مجرمان را هم نداشت. این مسئولیت ناگزیر بر عهدهٔ محاکم بین‌المللی قرار گرفت. این کشور برای رویارویی با عاملان و مجرمان، رویکردی چندوجهی در پیش گرفت که با مصونیت مجازات مبارزه می‌کرد و از طریق دادگاه‌های نوین - سنتی کاکاکا روش‌های ابداعی مجازات را اعمال کرد.

دسترسی به قدرت، دلیلی برای تبرئه یا تعلیق اقدامات دادگاه‌های کیفری بین‌المللی محسوب نمی‌شود. تمامی روندهای آغازین پیش از دادگاه باید مطابق با اساسنامهٔ رم پیش‌رود، مگر آنکه بند ۱۶ شورای امنیت سازمان ملل بر آن وارد شود. در خصوص جرایم بین‌المللی ارتکاب یافته در کشورهای آفریقایی عضو اساسنامهٔ رم، اتحادیهٔ آفریقا باید مقدم بر دادگاه کیفری بین‌المللی اقدام کند. اتحادیهٔ آفریقا باید کشورهای عضو را تشویق به رعایت قوانین تحت اساسنامهٔ رم کند (Ibid: 113). برای ترمیم روابط بین اتحادیهٔ آفریقا و دیوان کیفری بین‌المللی لازم است که دیوان دیدگاهش را نسبت به اتحادیهٔ آفریقا مورد بازنگری قرار دهد. به خصوص، نظام دیوان کیفری بین‌المللی، شامل دادستانی، دفتر شعب ثبت‌کننده و مجمع کشورهای عضو، باید گسترهٔ فعالیت‌هایش را بیشتر کند و با جامعهٔ مدنی آفریقا از طریق برگزاری جلساتی در قارهٔ آفریقا و نیز با اتخاذ دیدگاهی مناسب در برابر نمایندگان اتحادیهٔ آفریقا در زمان برگزاری جلسات در دیوان کیفری بین‌المللی در لاهه، وارد تعامل اساسی شود.

فاطو بن سودا، دادستان کل دیوان، نیاز به این دارد که مشاور سیاسی ارشدی تعیین کند تا رابطی با سازمان‌های سیاسی نظیر اتحادیه آفریقا عمل کند. این مسئله به تلاش‌های در حال انجام برای معتبر ساختن دیوان کیفری بین‌المللی در نزد سران اتحادیه آفریقا در آدیس آبابا کمک می‌کند. همچنین، بن سودا باید مدارکی دال بر سیاست‌های دادستانی، برای احقاق حق، به خصوص در کشورهایی ارائه کند که هنوز تحت تأثیر جنگ قرار دارند، تا زمینه را برای گسترش صلح فراهم آورد. تا جایی که به اتحادیه آفریقا مربوط است، این اتحادیه می‌تواند ابتکاراتی به خرج دهد تا برای ترمیم روابط بین‌سازمانی مشارکت کند. به خصوص، اتحادیه آفریقا باید ارزیابی کند که چگونه و چه زمانی دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند به‌عنوان شریکش از نظر آمادگی برای مقابله با نقض حقوق بشر در قاره آفریقا عمل کند. اتحادیه آفریقا می‌تواند با دیوان کیفری بین‌المللی وارد گفتگو شود و از حضور کشورهای آفریقایی در مجمع کشورهای عضو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای اعلام دیدگاه‌هایش به نظام دیوان استفاده کند. به علاوه، اتحادیه آفریقا می‌تواند با جامعه مدنی در رابطه با تحلیل سیاسی، حمایت از قربانیان، سندسازی، هشداردهی و رایزنی در مورد عدالت کیفری بین‌المللی از نزدیک همکاری داشته باشد. جامعه مدنی آفریقا باید دیدگاهی متعادل در برخورد با تحلیل تأثیر مداخلات دیوان در فرایند برقراری صلح در قاره اتخاذ کند. این کار نیاز به موضع‌گیری انتقادی سازنده در برابر دیوان کیفری بین‌المللی دارد (Werle et al., 2014).

تخریب میراث فرهنگی - تیمبوکتو، مالی

میراث فرهنگی آینه بشریت و سرچشمه تجربیات انسانی در طول اعصار است، بنابراین نباید موجب شگفتی باشد حملات عمدی به چنین نمودهای به‌غایت مهم هویت‌ها به‌صورت فزاینده‌ای به‌مثابه امری نفرت‌برانگیز نزد منش فرهنگی‌مان در قرن حاضر دیده می‌شود. مدت‌ها پیش از آنکه تخریب اماکن تاریخی در سوریه و عراق رخ دهد فاتوین سودا، دادستان دیوان، بر نیاز به مهار تخریب حساب‌شده اموال فرهنگی محافظت‌شده در چارچوب دیوان تأکید کرده بود. اقدام دادستانی در رابطه با وضعیت «مالی» مثالی از آن است. وی طی سخنانی در جلسه استماع تأیید اتهامات اظهار کرد تیمبوکتو که اکنون در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده در سده‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی به یکی از پایتخت‌های فکری و معنوی آفریقا تبدیل شده است. این شهر نقشی اساسی در گسترش اسلام ایفا کرده است؛ مهد آموزش بوده و مکان روشنی برای نسل‌هایی از دانش‌آموزان است که دانشمندان بسیاری را جذب می‌کند. تخریب آن به منزله نابودی سازه‌هایی است که ویرانی‌های اعصار را پشت سر گذاشته بودند و شاهدهی برگزیده پرشکوه تیمبوکتو و جایگاه والای آن در تاریخ و مردم در طول نسل‌ها باقی مانده است. وی در

اهمیت میراث فرهنگی و تبیین آثار گسترده اهمیت آن‌ها را برشمرد. به تعبیر وی، فرهنگ یعنی آن چیزی که نشان می‌دهد ما که هستیم؛ یعنی هویت جامعه اموال فرهنگی، تجسم مادی و کالبدی فرهنگ و هویت تاریخ یک ملت است. در واقع، اموال فرهنگی به‌سان درفش‌هایی می‌ماند که هویت تاریخی و جمعی یک ملت را حکایت‌گر است و چیزی فراتر از خشت و سنگ بی‌روح و بی‌معناست. آرامگاه‌های تیمبوکتو به خرابه تبدیل شد، تنها با هدف نابودکردن تفاوت‌ها و ارزش‌های دگراندیشانه. دیوان کیفری بین‌المللی موضوع تخریب بناهای تاریخی و مذهبی را جرایم جنگی شناخت و از رهگذر دادرسی پیش‌رو در مورد اسلام‌گرای مرتبط با انصارالدین و القاعده در کشور مغرب اسلامی عمل کرد. احمد الفقی‌المهدی، که «حسبه» شهر تیمبوکتو در مالی را راهبری می‌کرده است، متهم به تخریب ده زیارتگاه و مسجد ثبت‌شده در میراث جهانی یونسکو است. این پرونده برای روشن کردن صلاحیت دیوان در باب انواع مختلف قربانیان و رفتارهای مجرمانه گام مهمی خواهد بود.

این پرونده از آن جهت نیز مهم است که برای نخستین بار در تاریخ دیوان کیفری بین‌المللی کیفری متهمی قصد خود مبنی بر پذیرش مجرمیت را ابراز کرده است. سرانجام، کوتاه‌ترین دادرسی در تاریخ دیوان با صدور رأی محکومیت و به‌عنوان شریک در ارتکاب جرایم جنگی، تخریب آثار فرهنگی با هدایت عامدانه بناهای فرهنگی و مذهبی و رای شکی معقول احراز و وی را به نه سال زندان محکوم کرد (شعاع‌منش و دیوتتر، ۲۰۱۶).

محاکمت در حال رسیدگی دیوان بین‌المللی کیفری

الف) جمهوری آفریقای مرکزی

ژان پیر بمبا، معاون رئیس جمهوری سابق جمهوری دموکراتیک کنگو، در مارس ۲۰۱۶ میلادی در اولین رأی دیوان درباره بزهکاری ناشی از جرایم جنسی و جرایم مبتنی بر جنسیت (تجاوز به‌عنوان جرم جنگی و نیز جرایم علیه بشریت) محکوم شد. علاوه بر تاریخی و مغتنم‌بودن جهانی این لحظه در تکامل عدالت جنسیتی، محکومیت بمبا نخستین پرونده مبتنی بر مسئولیت کیفری فرماندهی در دیوان کیفری بین‌المللی بود که به فرماندهان رده بالای نظامی این پیام را ارسال کرد که اگر مسئولیت اعمال زیردستان خود را به‌عهده نگیرند، ایشان نیز در جریان تعقیب اساسنامه رم قرار خواهند گرفت.^۱

ب) لیبی

قطعه‌نامه ۱۹۷۰ سازمان ملل قضیه لیبی را به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع داد. در قطعه‌نامه

1. <http://www.iaail.ir/35146-2/>

۱۹۷۰، شورای امنیت از دادستان دیوان بین‌المللی کیفری می‌خواهد که قضیهٔ لیبی را پیگیری کند و جرایمی را که بعد از ۱۵ فوریهٔ ۲۰۱۱ مقامات لیبیایی مرتکب شده‌اند در دستور کار خود قرار دهد و مقامات لیبیایی دست‌داشته در کشتار مردم را مورد پیگرد قرار دهد. بنابراین، شورای امنیت رسیدگی به اتفاقاتی را که از آن روز در لیبی رخ داده بود جزو صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری دانست.^۱

پرونده‌های دادستانی مرتبط با دیوان بین‌المللی کیفری

الف) دستگیری فرمانده ارتش مقاومت خدا- اوگاندا

در مارس ۲۰۱۶، قضات تصمیم گرفتند که دومینیک اونگون، فرمانده سابق ارتش مقاومت خدا، را برای ارتکاب ۷۰ فقره جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت به محاکمه بکشاند که این جرایم غالباً در ارتباط با حمله به اردوگاه «بی‌جاشدگان داخلی» در شمال اوگاندا صورت گرفته بود. ازدواج اجباری، حاملگی اجباری، شکنجه، قتل و به خدمت گرفتن و استفاده از کودکان زیر ۱۵ سال در مخاصمهٔ مسلحانه قسمتی از اتهاماتی را شکل می‌دهد که دومینیک اونگون متهم به ارتکاب مستقیم بعضی از آنهاست.^۲

ب) نخستین محاکمهٔ رئیس دولت سابق - ساحل عاج

پروندهٔ لوران باگبو، رئیس‌جمهور سابق ساحل عاج، که نخستین مورد بازداشت رئیس دولت بوده است و یکی از اصول بنیادین اساسنامهٔ رم را به منصفهٔ ظهور می‌رساند: هیچ کس بالاتر از قانون نیست. باگبو، که محاکمهٔ وی به همراه چارلز بلگوده، رهبر جوانان، در ژانویهٔ ۲۰۱۶ آغاز شد، متهم به قتل، تجاوز جنسی، سایر اعمال غیر انسانی، و جرم تعقیب کیفری در حیطهٔ جرایم علیه بشریت در جریان خشونت‌های پس از انتخابات ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ ساحل عاج است.^۳

ج) دولت جمهوری گابن

دولت جمهوری گابن به جرم خشونت پس از انتخابات ریاست جمهوری در می ۲۰۱۶ به دادستانی دیوان ارجاع داده شد.^۴

1. <http://www.iccnw.org/?mod=libya>

2. <http://www.iail.ir/35146-2/>

3. <http://www.iccnw.org/?mod=ivorycoast>

4. <http://www.icicl.org/details.asp?id=427>

عدالت سیاسی و سیاست قضایی؛ راهی پیش روی اتحادیه آفریقا و دیوان بین‌المللی کیفری

دیوان در اعمال اختیار قانونی نسبت به افرادی که مرتکب چنین جنایاتی می‌شوند، باید رویکردی شفاف و صریح داشته باشد. از آنجا که کشورهای آفریقایی در شکل‌گیری دیوان بین‌المللی کیفری و تدوین اساسنامه آن در کنفرانس رم نقشی حیاتی ایفا کرده‌اند، تا به امروز، بزرگ‌ترین گروه منطقه‌ای در میان مجموعه کشورهای عضو دیوان بین‌المللی کیفری است. در حالی که کشورهای آفریقایی در ابتدا از این دیوان حمایت کرده بودند، محکومیت عمرالبشیر، رئیس‌جمهور سودان، توسط دیوان در سال ۲۰۰۸ باعث تیرگی رابطه کشورهای آفریقایی با دیوان شد. در پی این حرکت، اتحادیه آفریقا که در عمل، نماینده تمامی کشورهای قاره بود، رویکردی خصمانه نسبت به دیوان بین‌المللی کیفری در پیش گرفت. این اتحادیه از کشورهای عضو درخواست کرد تا سیاستی مبنی بر عدم همکاری با دیوان اتخاذ کنند. این سیاست همچنان موضع پایدار آفریقا در قبال دیوان است، اگرچه هر دو سازمان موضع مشترکی در مورد اعمال «عدالت سیاسی» و «سیاست قضایی» دارند.

در خصوص امکان جمع یا تراحم میان عدالت کیفری و صلح و امنیت بین‌المللی، هیچ‌گاه در بین حقوقدانان بین‌المللی اتفاق نظر وجود نداشته است. هر چند عمدتاً آرمانگرایان با استدلال ضرورت عدالت کیفری، تحقق آن را بر صلح و امنیت بین‌المللی مقدم می‌دانند، عملگرایان با بیان پیش‌شرط اعمال صلح و امنیت بین‌المللی، اعمال آن را لازمه تحقق عدالت کیفری می‌دانند. با این حال، نباید یکسره پنداشت که این دو مفهوم پیوسته در رقابت با یکدیگر بوده و مانع‌الجمع‌اند؛ هر چند به نظر می‌رسد محاکم کیفری بین‌المللی در وهله نخست عهده‌دار عدالت کیفری‌اند و در راه تحقق آن گام برمی‌دارند.

دول آفریقایی در ادامه موضع‌گیری‌های خود، عملکرد دیوان کیفری بین‌المللی را مغایر با تحقق مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی در آفریقا می‌دانند. کمالینکه در قضیه صدور قرار جلب عمرالبشیر، این دولت‌ها معتقدند که قرار جلب دیوان با تحقق صلح و امنیت بین‌المللی در سودان مبینت دارد. دیوان نهادی قضایی است و باید از دخالت در مسائل سیاسی و دارای شایبه عدم استقلال و بی‌طرفی دور بماند. البته، در مورد شورای امنیت این موضوع وضعیت دیگری دارد. ایفای مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت جهانی که به شورای امنیت تفویض شده است، شورا را به سوی این نتیجه‌گیری رهنمون می‌کند که ادامه تعقیب عمرالبشیر توسط دیوان کیفری بین‌المللی به ویژه در راه مذاکرات صلح مانع ایجاد کرده و خشونت و درگیری در منطقه را وسعت بخشیده است. با این حال هدف شورای امنیت از تشکیل کمیسیون بین‌المللی تحقیق در مورد دارفور و ارجاع آن بحران به دیوان، اتکا به قابلیت‌های دیوان کیفری

بین‌المللی در مقابله با جنایات ارتكابی در دافور سودان و به کیفر رسیدن جنایتکاران بین‌المللی است. شورای امنیت از سال ۱۹۹۳ با ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا حرکتی را در مبارزه با واقعیت بی‌کیفری جرایم بین‌المللی آغاز کرد که متعاقباً با ایجاد دیگر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی و نیز دادگاه‌های کیفری مختلط تعقیب شده است. به هر حال، شورای امنیت به‌رغم فشارهای موجود به ماده ۱۶ اساسنامه در تعلیق تعقیب استناد نکرده است و بعید به نظر می‌رسد که در آینده‌ای نزدیک، به‌ویژه میان تمامی اعضای دائمی شورای امنیت در این مورد اتفاق نظر حاصل‌آید، مگر آنکه تغییری اساسی در شرایط موجود رخ دهد.

حقیقت آن است که صلح و امنیت زمانی مستقر و پایدار خواهد ماند که عدالت به‌طور اعم و عدالت کیفری به‌طور اخص برقرار شود. باید افرادی که به ارزش‌های بنیادین جامعه بین‌المللی تعرض کرده یا می‌کنند به‌سزای اعمال خود برسند و مجازات شوند. دو مؤلفه «صلح» و «عدالت» که به‌ترتیب اهداف نهادهایی سیاسی و حقوقی-قضایی محسوب می‌شوند، هر یک در پرتو دیگری معنا می‌یابد و ادعای دولت‌های آفریقایی در این مورد نیز از پایه و اساس مستحکمی برخوردار نیست (زمانی، ۱۳۹۳: ۱۳-۱۴).

توسعه صلاحیت‌ها و ادغام مراجع قضایی آفریقایی

سازمان وحدت آفریقا در سال ۱۹۹۸ پروتکل مربوط به دیوان آفریقایی حقوق بشر را به تصویب رساند که در ۲۵ ژانویه ۲۰۰۴ لازم‌الاجرا شد. تحولات پس از تبدیل سازمان وحدت آفریقا به اتحادیه آفریقا مبین توجه بیشتری به مقوله حقوق بشر در این قاره است، هرچند هم‌زمان با ناخرسندی دول آفریقایی توجه به قلمرو و حوزه صلاحیتی این دیوان کانون توجه حقوقدانان آفریقایی و کارشناسان ذی‌ربط شد. مجمع اتحادیه آفریقا در نشست فوق‌العاده ۱۲ اکتبر ۲۰۱۳ تصمیم گرفت در راستای تضمین اعمال قانون اساسی، ثبات و وحدت دولت‌های عضو نباید علیه هیچ رئیس فعلی دولت یا حکومت اتحادیه آفریقا یا هر شخصی که در چنین سمتی فعالیت می‌کند یا دارای صلاحیت فعالیت در چنین سمتی است، اتهامی زند. به‌علاوه، مهم‌ترین تصمیمی که در این نشست فوق‌العاده اتخاذ شد این بود که «فرایند تعمیم صلاحیت دیوان آفریقایی حقوق بشر به محاکمه جنایات بین‌المللی، مانند ژنوسید، جنایات ضدبشریت و جنایات جنگی» تسریع شود و در همین راستا، هم‌زمان با طرح توسعه صلاحیت دیوان آفریقایی حقوق بشر، مقرر شد دولت‌های آفریقایی پیشنهادشانرا برای اصلاح اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بر اساس ماده ۱۲۱ اساسنامه دیوان در دستور کار قرار دهند. این مرجع ضامن اصلی اجرای منشور آفریقا و تعهدات مندرج در کمیسیون حقوق بشر در

این قاره قلمداد می‌شود و این قضیه مجدداً با صدور قرار بازداشت عمرالبشیر از نو مطرح شده است.

در اصل، در طرح این مسئله سه موضوع اساسی تعیین‌کننده است: نخست، ادعای اعمال صلاحیت جهانی در قلمرو آفریقا، دوم مباحثی که در خصوص محاکمهٔ حبسن هابره، رئیس‌جمهور سابق چاد رخ داد، و سوم اعمال بند ۵ ماده ۲۵ منشور آفریقا در مورد دموکراسی، انتخابات و حکومت که اتحادیهٔ آفریقا را موظف کرد بر این اساس، تمامی دولت‌های عضو اتحادیه مبادرت به تنظیم و تغییر غیراساسی حکومت کنند و در تدوین مقررات مربوط به جنایت بین‌المللی در اعمال صلاحیت جهانی مشارکت کنند، به‌ویژه آنگاه که از سوی مراجع فرودست در اروپا رسیدگی می‌شود.

متعاقب نشست‌های فوق‌العادهٔ اتحادیه، طرح توسعهٔ صلاحیت دیوان آفریقایی حقوق بشر در سال ۲۰۱۱ تدوین شد که بر اساس آن صلاحیت دادگاه پیشنهادی، که علاوه بر جنایات حقوق بشری به جنایات عمدهٔ بین‌المللی نیز می‌پردازد، صلاحیتی تکمیلی نسبت به صلاحیت مراجع ملی است، هر چند دارای همان صلاحیت‌ها و اختیارات است. با وجود این، باید توجه داشت که استقرار دیوانی آفریقایی با صلاحیت کیفری بین‌المللی، طرحی بلندمدت است که نخستین گام‌های لازم برای تحقق، ضرورتی است که سال‌ها پیش دولت‌ها و ملت‌های آفریقایی احساس کرده‌اند و رفته‌رفته این ضرورت، تا حدودی رنگ واقعیت یافته است، با این حال تنها در حد پیش‌نویس مصوب اتحادیه درآمده و تا به مرحلهٔ به‌اجرا درآمدن آن فاصلهٔ زیادی است. البته، باید یادآور شد که دیوان در عمل تأسیس نمی‌شود، مگر زمانی که پروتکل اجرایی آن تنظیم و دست‌کم به تأیید پانزده دولت از دولت‌های آفریقایی برسد که این امر به روند رسیدگی به قضایایی که در حال حاضر در دیوان کیفری بین‌المللی تحت رسیدگی است، تأثیر نخواهد گذاشت (زمانی، ۱۳۹۳: ۱۷-۱۹).

تحقیقات جامع خارج از آفریقا

الف) تحولات دادستانی دربارهٔ اوکراین

اوکراین تا سال ۲۰۱۴ اساسنامهٔ رم دیوان لاهه را نپذیرفته بود، اما دولت اوکراین در سال ۲۰۱۴ با صدور بیانیه‌ای دخالت دیوان لاهه در رویدادهای سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ این کشور را پذیرفت که در حال حاضر دادگاه بین‌المللی عدالت کیفری لاهه در حال بررسی اتفاقاتی است که حدود اوایل اسفند ۱۳۹۲ در این کشور روی داده است. این دیوان همچنین شکایاتی را در مورد مسائل شبه‌جزیرهٔ کریمه و شرق اوکراین دریافت کرده است. تحقیقات دیوان بین‌المللی لاهه در حال حاضر به اتفاقاتی متمرکز است که بین ۳۰ آبان ۱۳۹۲ تا ۱ اسفند ۱۳۹۴ در کیف

و دیگر شهرهای اوکراین به‌وقوع پیوست، شامل قتل و شکنجه و اقدامات غیرانسانی در جریان تظاهرات این کشور.^۱

ب) گرجستان

تحقیقات در مورد جرایم احتمالی ارتکاب‌یافته در اوستیای جنوبی، واقع در گرجستان، در سال ۲۰۰۸ در خلال منازعه روسیه- گرجستان نخستین تحقیقات رسمی دیوان کیفری بین‌المللی است که موضوع آن واقعه یا شخصی آفریقایی نیست. این موضوع از این جهت مهم است که دیوان مرتب متهم به هدف قراردادن آفریقا، و غالباً از جانب رهبرانی بوده است که عملکردشان مورد مؤاخذه قرار گرفته است. حتی قبل از اعلام تحقیقات در مورد گرجستان در ژانویه ۲۰۱۶، دادستان دیوان در حال انجام تحقیقات مقدماتی در مورد بحران‌های مرتبط با اوکراین، افغانستان، عراق، بریتانیا، کلمبیا و فلسطین بود.^۲

ج) عدم ورود دیوان به قضیه حمله اسرائیل به کاروان کمک‌رسانی غزه

این اولین بار است که وضعیتی ارجاع‌شده از سوی دولت عضو با جواب رد دادستان مواجه می‌شود. این در حالی است که سیاست رسمی اعلام‌شده از سوی دیوان تقدم‌دادن به «خودارجاعی» دولت‌های عضو است.^۳

نتیجه

حقوق کیفری بین‌المللی بخشی از حقوق بین‌الملل است که بر پایه مسئولیت فردی و در جهت حفظ اساسی‌ترین ارزش‌ها و هنجارهای مشترک جامعه بین‌المللی، با هدف حفظ نظم عمومی در عین رعایت حقوق و آزادی‌های فردی، مصادیق جنایات بین‌المللی، آیین رسیدگی به آن‌ها و کیفیت به کیفر رساندن مرتکبان را مشخص می‌سازد. به‌طور کلی، اگر دیوان کیفری بین‌المللی بخواهد در صحنه بین‌المللی مفید و معتبر باشد، لازم است مستقل، بی‌طرف، عادل و مؤثر باشد و هرگز نباید تحت تأثیر و قیومیت هیچ‌یک از کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی حتی شورای امنیت قرار گیرد.

عدم همکاری دول آفریقایی با دیوان کیفری بین‌المللی یکی از موانع عدالت کیفری

1. <http://voxukraine.org/2016/01/12/ukraine-and-the-international-criminal-court-a-constitutional-matter-en/>

1. <http://www.iaail.ir/35146-2/>

2. http://www.internationalallaw.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=539:2016-04-17-18-05-01&catid=82:2012-12-27-20-16-54&Itemid=560

بین‌المللی در قاره آفریقا است که منجر به تبعات منفی و بروز مشکل شده است. تأکید بر عدم تعقیب رؤسای کشورهای در حال تصدی در دادگاه‌های بین‌المللی نیز در همین راستاست و رویکرد دیوان بین‌المللی کیفری مبتنی بر بند ۲ ماده ۲۷ اساسنامه در تعقیب مقامات مسئول، سبب عدم همکاری دولت‌های آفریقایی و منجر به طرح خروج آن‌ها از اساسنامه دیوان شده است.

تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری از آن جهت که قرار بود به مجازات اشخاصی بپردازد که مقررات بین‌المللی را نقض می‌کنند، مقبول اکثر ملل قرار گرفت؛ زیرا هدف این بود که این محکمه بین‌المللی مجرم را به‌سزای اعمال خویش برساند، بدون آنکه متعاقب آن انسان‌های بی‌گناه دیگر متضرر شوند؛ ولی در مسئله رسیدگی به قضیه عمرالبشیر و مواردی از این دست، دیوان بین‌المللی کیفری آنچنانکه باید، نتوانست به وظایف خود عمل کند و این امر باعث شد دول آفریقایی اعتماد خود به دیوان را از دست بدهند. دیوان بین‌المللی کیفری مرجعی کیفری و موظف است تنها بر اساس اساسنامه و با انطباق وضعیت هر قضیه به مفاد آیین دادرسی خود عمل نماید، لذا به‌نظر نمی‌رسد بتوان به‌طور قطع بیان داشت که در موارد ادعایی دولت‌های آفریقایی دیوان از حدود صلاحیت خود تجاوز کرده باشد. البته، در ورای ادعای دولت‌های آفریقایی، اعتراض دیگری نهفته است و آن اینکه چرا دیوان کیفری بین‌المللی به جنایات ارتكابی در دیگر مناطق جهان رسیدگی نکرده است. آیا جنایات ارتكابی در سرزمین فلسطین، اکراین، افغانستان و میانمار نباید مورد توجه دیوان واقع می‌شد؟ تردیدی نیست که اگر وضعیت‌هایی مثل دارفور سودان و لیبی از شورای امنیت ارجاع شود ولی مواردی مثل جنایات ارتكابی اسرائیل یا جنایات ارتكابی علیه مسلمانان میانمار از شورای امنیت به دیوان ارجاع نشود، قصوری است که متوجه شورای امنیت است و نه دیوان کیفری بین‌المللی؛ در حالی که وضعیت‌هایی که حائز شرایط مقرر در ماده ۵۳ اساسنامه دیوان باشد، از جهت قابلیت استماع، تکمیلی بودن صلاحیت دیوان، شدت جرم و اقتضای عدالت، مستعد بررسی و تحقیق در این مرجع است.

با توجه به اینکه عمده اعضای دیوان بین‌المللی کیفری کشورهای آفریقایی است، رفع و مدیریت بحران‌ها و درگیرهای ممتد و مکرر در این قاره نیازمند کمک بین‌المللی است. از سوی دیگر، تداوم حیات و توفیق دادگاه بین‌المللی کیفری نیازمند این است که این دادگاه بتواند به اتهام‌گزینی عمل کردن، به‌نحو قانع‌کننده‌ای پاسخ دهد و در برابر انتقادهای آفریقا انعطاف منطقی داشته باشد.

منابع

الف) فارسی

۱. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۳). «تأسیس دیوان کیفری آفریقایی: افسانه یا واقعیت؟»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۸، شماره ۸۶.
۲. رنجبریان، امیرحسین؛ ملک‌الکتاب خیابانی، مهدیه (۱۳۹۸). «دادگاه ویژه سیرالئون: تشکیل صلاحیت و مقابله با بی‌کیفرمانی»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۳.
۳. زمانی، سیدقاسم (۱۳۹۳). «تهدید به عدم همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی و آینده مبهم عدالت کیفری در قاره سیاه»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۲.
۴. شعاع‌منش، سام ساسان؛ دیوتر، ژیل (۲۰۱۶). «دیوان کیفری بین‌المللی و اموال فرهنگی: اجرای حقوقی تقویت‌شده حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه»، تارنمای عدالت کیفری بین‌المللی امروز، ۲۲ ژوئن.
۵. فرجیها، محمد (۱۳۸۷). «رویکرد عقلایی به مداخله‌های عدالت کیفری»، مجله کارآگاه، دوره ۲، شماره ۴.
۶. گاراپون، آلن (۱۳۸۱). «آشتی در فراسوی دادرسی‌ها؟ نمونه‌های آفریقای جنوبی و روندای»، مجله گفتگو، شماره ۳۶.
۷. موسی‌زاده؛ امینیان، اکبر (۱۳۹۰). جمهوری اسلامی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی، پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
۸. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۳). «دادگاه کیفری بین‌المللی»، نشر دادگستر.
۹. ناممیان، پیمان (۱۳۹۴). «نسل سوم محاکم کیفری بین‌المللی، دستاوردها، هنجارها و چالش‌ها»، فصلنامه پژوهش کیفری، دوره ۳، شماره ۱۱، تابستان.

ب) لا ۱. Bahmaei-1-26-motaleate hoghooghe ooomi-

Bah96-95.12.01 تین

10. Ascensio, H. (2000). Les Tribunaux Ad hoc pour l'Ex-Yougoslavie et pour le Rwanda» in Droit pénal international, Hervé Ascensio, Emmanuel Decaux et Alain Pellet, Pedone.
11. Burke.white, ww (2012). " Proactive complementarity: The ICC and national courts in the Rome system of international justice."
12. Ghali, Boutrous (1992). An Agenda for Peace Preventive Diplomacy ..., UN Doc, A/47/227, 5, 24 111, 17 June. para 2.
13. CIJ, Affaire relative au mandat d'arrêt du 11 avril 2000 (2002). para 78.
14. Dubois, Olivier (1997). «Les juridictions pénales nationales du Rwanda et le

tribunal international», RICR.

15. Fernandez, Lovell (2014). Vormbaum, moritz; werle., gerhard; Africa and the international criminal court, Vol. 1, Springer.
16. Lettre de l'Union africaine, 10 Septembre 2013.
17. Lettre du second vice-président de la CPI le juge Cuno Tarfusser, 13 septembre 2013.
18. Taylor, Ian (2012). China and Africa: engagement and compromise, Rutledge.
19. TPIY (1995). Affaire Tadic, Chambre d'appel, arrêt relatif à l'appel de la defense concernant l'exception préjudicielle d'incompétence, 2 Octobre, para 10.
20. Voir, Condorelli; et Villalapando, S. (2005). Les Nations Unies et les juridictions pénales internationales» in La Charte des Nations Unies-commentaire article par article, Jean-Pierre Cot, Alain Pellet et Mathias Forteau, 3e édition ,Economica.
21. Wembou, Djiena (1997). "Le tribunal pénal international pour le Rwanda", RICR.
22. Wenping, He. (2013). China- Africa Relations Moving into an Era of Rapid Development, in: Sanuha Naidu, China in Africa, Africa Institute of South Africa(AISA), No. 3.
23. Werle, G., Fernandez, L., & Vormbaum, M. (Eds.), (2014).Africa and the International Criminal Court, T.M.C. Asser Press, Hague.

ج) وبگاهها و تارنماها

24. <http://africain-français.org/petition-cpi>
25. [www. Afriquejet.com. actualities/ Societe](http://www.Afriquejet.com.actualities/Societe); [www. Afriqueavenir.org/ 2009/07.27](http://www.Afriqueavenir.org/2009/07.27)
26. www.bbc.co.uk/news/world-africa-11156184
27. <http://fr.news.yahoo.com/4/20090827/twlsoudan-darfour-onu-bd5ae06.html>
28. <http://www.iail.ir/35146-2/>
29. www.icc-cpi.int
30. <http://www.iccnw.org/?mod=ivorycoast>
31. <http://www.iccnw.org/?mod=libya>
32. <http://www.icicl.org/details.asp?id=427>
33. http://www.internationallaw.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=539:2016-04-17-18-05-01&catid=82:2012-12-27-20-16-54&Itemid=560
34. [www.lemonde.fr/Afrique/article/2008/07/15/darfour-la CPI](http://www.lemonde.fr/Afrique/article/2008/07/15/darfour-la-CPI)
35. [www.rtlinfo.be/rtl/archive/article/152127/?& archiveyear=2008](http://www.rtlinfo.be/rtl/archive/article/152127/?&archiveyear=2008)
36. <http://www.vakilemelat.ir/fa/news/view/153314>
37. <http://voxukraine.org/2016/01/12/ukraine-and-the-international-criminal-court-a-constitutional-matter-en/>